



دانشگاه علوم پزشکی و
خدمات بهداشتی اورژانسی شیراز

هشتمین سمینار تخصصی باروری و ناباروری
بررسی جامع ابعاد سقط جنین در ایران



سمینار سراسری بررسی جامع ابعاد سقط جنین در ایران

زمان: ۷ و ۸ اسفندماه ۱۳۸۱

برگزارکنندگان: پژوهشکده ابن سینا

با همکاری: دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه



سقط جنین در آیینة قاعده «نفی حرج»

حجت الاسلام رحیم نوبهار

عضو هیئت علمی پژوهشگاه ابن سینا، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه

این نوشتار به طرح چهار پرسش و پاسخ بنیادین فقهی درباره سقط جنین می‌پردازد. پرسش نخست این است که با توجه به حرمت سقط جنین هر گاه ادامه حاملگی موجب عسر و حرج برای مادر باشد، آیا می‌توان با استناد به قاعده نفی حرج سقط جنین را جایز دانست؟

پاسخ این پرسش، اجمالاً مثبت است؛ زیرا قاعده نفی حرج یکی از قواعد مستند، توانمند و دامنه دار فقه اسلامی است. این قاعده می‌تواند الزام احکام تکلیفی را بردارد. عموم این قاعده، همه احکام اولیهای را که مستلزم عسر و حرج باشد در بر می‌گیرد، بنابراین عدم اجرای آن نسبت به مورد، به مخصص و مقید نیاز دارد. استثنای کلی که بر قاعده لاجرح وارد شده، تکالیفی است که شارع مقدس چنان اهتمامی به آن دارد که حتی در فرض عسر و حرج راضی به ترک آن نیست. برای نمونه، شارع مقدس به حفظ نفس و جان آدمی چنان اهتمام می‌ورزد که به کسی اجازه نمی‌دهد حتی با استناد به عسر و حرج مرتکب قتل نفس شود. در مواردی که صدق عنوان «حرج» محرز و قطعی است، اما نمی‌دانیم آیا مورد از مواردی است که به دلیل اهمیت فوق العاده شرع به آن، از استثنائات قاعده لاجرح است یا نه؛ علی القاعده باید مورد را مشمول قاعده لاجرح دانست؛ در این گونه موارد حکم به عدم اجرای لاجرح تنها مبنی بر احتیاط خواهد بود.

در مورد سقط عمدی جنین، دلیلی نداریم که قاعده «لاجرح» برای رفع حرمت این کار، کارساز نباشد؛ درست است که سقط جنین حرام است، اما این به معنای آن نیست که حرمت سقط جنین مشمول قاعده نفی حرج قرار نمی‌گیرد.

پرسش دوم این است که از آغاز انعقاد نطفه آدمی تا پایان زمانی که جنین در رحم مادر است تا چه زمانی سقط جایز است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: قدر مسلم و متیقن از مواردی که مشمول قاعده لاجرح نیست و در نتیجه سقط، مجوزی ندارد، جایی است که بر سقط جنین، عنوان «قتل نفس» صدق نماید. چنان که دیه جنین نیز زمانی دیه انسان کامل است که اعضاء و جوارح آن شکل گرفته باشد و عنوان «نفس» بر آن صادق باشد. بنابراین هر گاه محرز باشد که بارداری و حاملگی مستلزم عسر و حرج است، اما با توجه به سن جنین در صدق عنوان «قتل نفس» بر سقط تردید داشته باشیم، علی القاعده مانعی از اجرای قاعده لاجرح نیست؛ مگر این که از باب احتیاط، سقط را ممنوع بدانیم. با این حال، در برخی موارد، حکم به عدم جواز سقط تنها با استناد به احتیاط دشوار خواهد بود؛ برای نمونه در مورد حاملگی‌های ناشی از تجاوز به عنف، حکم به لزوم ادامه حاملگی گاه مستلزم ضرر حیثیتی برای زن و به گونه‌ای برخلاف احتیاط است.

پرسش سوم این است که عسر و حرج چه کسانی مجوز سقط جنین است؟

در پاسخ باید گفت که قدر مسلم این است که عسر و حرج مادر می‌تواند مجوز سقط باشد، اما با توجه به این که جنین افزون بر «مادر» با «پدر» و «جامعه» نیز ارتباط دارد، در برخی موارد، عسر و حرج پدر و جامعه در صورت تولد طفل نیز می‌تواند مجوز سقط جنین باشد. بدین سان حرج اجتماعی ناشی از تولد برخی اطفال در شرایط خاص می‌تواند به قانونگذار اجازه وضع قوانینی را بدهد که سقط را در پاره‌ای موارد تجویز کند و حتی حاکمیت را موظف سازد تا امکانات لازم بهداشتی و مناسب را برای اجرای آن فراهم سازد.

پرسش چهارم این است که در موارد جواز سقط جنین، راههای شرعی اثبات حرج کدام است؟

پاسخ ما این است که «حرج» نیز همچون دیگر موضوعاتی که حکم شرعی بر آن مترتب می‌شود باید از راههای معتبر محرز شود. درست است که قضاوت عرف عام و تشخیص مادر برای اثبات وجود حرج در برخی موارد، کارساز و تعیین کننده است، اما با توجه به ارتباط مسأله با سلامت جسمی _ روانی مادر و نیز به لحاظ ارتباط تولد طفل با حاکمیت و مسایل گوناگون اقتصادی و اجتماعی در برخی موارد رجوع به نظریات کارشناسان نیز تعیین کننده است.